

مجموعهٔ تاریخ برای نوجوانان ۲

مائوتسه-توَنگ

دزموئد پینتر

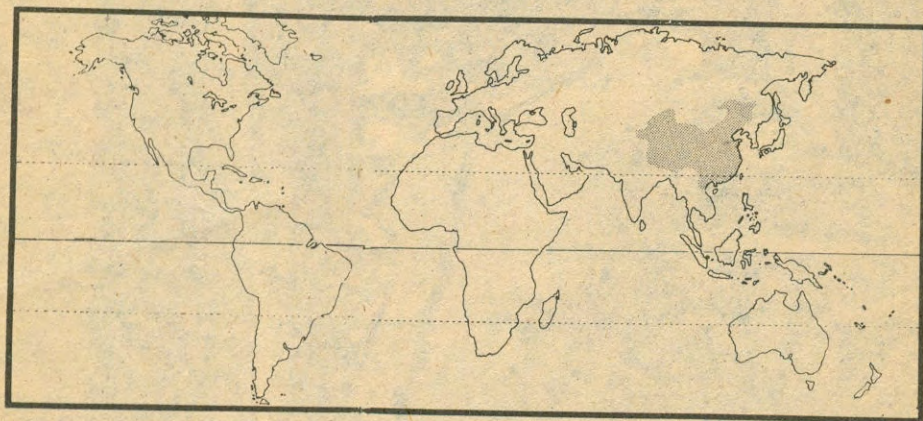
ترجمهٔ فرخی



مجموعهٔ تاریخ برای نوجوانان ②

مائوتسه-تونگ

دزموند پینتر
ترجمهٔ باجلان فرّخی



انتشارات ماریار

تهران، ۱۳۵۸

رئیس مائوتسه - تونگ Mao Tse-Tung

رهبر فقید جمهوری خلق چین یکی از مردان بزرگ تاریخ جهان نبود. بارهبری او چین از يك کشور عقب مانده و ناتوان و تحت استعمار قدرت های بیگانه به کشوری مستقل و آزاد و یکپارچه و توانا تبدیل شد. در دفتر دیگر از این مجموعه به نام انقلاب چین از تحولاتی که

منجر به قدرت یافتن کمونیست ها در ۱۹۴۹ و ایجاد جمهوری خلق چین شد سخن گفتیم؛ این دفتر به زندگانی مائوتسه - تونگ و نقشی که او در ایجاد این تحولات به عهده داشت اختصاص دارد، و مسائل دیگر در این زمینه رویدادهائی است که بعد از بهره‌ری رسیدن او در چین رخ داده است.

«مائوتسه - تونگ» در «بنان» (۱۹۳۷)



نخستین سال‌ها

مائو در ۱۸۹۳ در ایالت هونان Hunan از ایالات جنوبی چین متولد شد. پدرش دهقانی فقیر و سخت کوش بود که با گذشت زمان و بیشتر شدن تعداد افراد خانواده اگرچه ثروتمند نشدند اما وضع آنها بهتر شد. مائو پدر را در کارهای مزرعه یاری می‌کرد؛ او علاوه بر کار مزرعه مدرسه ابتدایی و متوسطه را نیز تمام کرد و بعدها برای ادامه تحصیل به جانگ شا Changsha رفت.

آموزش سنتی چین بیشتر به فراگیری خواندن و نوشتن و از برکردن متون کتاب‌های کنفوسیوس Confucius و دیگر آثار کهن متکی بود. مائو مواد آموزشی مورد تدریس را دوست نداشت و بیشتر به خواندن افسانه‌های کهن مربوط به فرماندهان بزرگ و راهزنان تمایل داشت. مائو دریافت که نه در آن داستان‌ها و نه در کتاب‌های کهن قهرمانان دهقانی را جایی نیست. (سند ۱). چنین به نظر می‌رسید که فرمانروایان کهن چین دهقانان را یا تحقیر می‌کردند یا نادیده می‌انگاشتند و اگرچه دهقانان چهارپنجم جمعیت چین را تشکیل می‌دادند همیشه مورد بی توجهی بودند.

اگر دهقانان علیه پریشانی و فقرشان اعتراض می‌کردند به سختی کفیر می‌دیدند و نابود می‌شدند (سند ۲). و چنین بود که مائو [با مطالعه گذشته و گذشت زمان] خود را بیشتر وابسته به دهقانان و در برابر آنان و دیوانیان می‌یافت (سند ۳).

حزب کمونیست چین

در ۱۹۱۸ مائو کالج را رها کرد و یاری کرد

که گروهی از اصلاح طلبان گردهم آیند که به جامعه پژوهش خلق نو شهرت یافت و بسیاری از اعضای این گروه بعدها کمونیست شدند. این دوره در چین دوره اوج و فرود و دوره ناستواری بود، و همچنان که «مائو» بعدها درباره‌ی خود گفت که ذهن او در آن زمان «آمیزه کنجکاوانه اندیشه‌ها» بود و دیری نگذشت که به اندیشه‌های درست دست یافت که راه آینده‌ی چین را مشخص کرد. نخستین کشور کمونیست جهان در اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شده و کمونیسم که بر اساس اندیشه‌های کارل ماکس Marx Karl استوار بود و مردم چین به این اندیشه‌ها توجه می‌کردند. یکی از اندیشه‌های مهم مارکس این بود که کارگران همیشه مورد توهین و انکار کاپیتالیست‌ها (بازرگانان بزرگ و صاحبان صنایع) قرار گرفته‌اند و هدف کاپیتالیست‌ها از این کار استثمار کارگران و سودجویی بوده است. مارکس بر آن بود که کارگران و زحمتکشان باید با هم متحد شوند و با انقلاب خود کاپیتالیست‌ها را نابود کنند و اختیار جامعه را در دست بگیرند.

مائو اندیشه‌های مارکس را پذیرفت و در ماه مه ۱۹۲۱ در نخستین گردهم‌آیی حزب کمونیست چین در شانگهای Shanghai شرکت کرد.

نخستین دولت کمونیستی چین

در سال ۱۹۲۰ همه‌ی کمونیست‌های جهان توجهشان به اتحاد جماهیر شوروی بود هم برای رهبری و هم برای الهام گرفتن از آن کشور. در آن تاریخ مهمترین حزب سیاسی



پس از کشتار کمونیست‌ها در ۱۹۲۷ توسط سربازان «جیانگ گای - شگ»، کمونیست‌ها به این مناطق پرت و دورافتاده کوچیدند و دولت خود را ایجاد کردند.

Shanghai به فرمان جیانگ گای - شگ نابود شدند و هم از اینجا بود که جنگ داخلی چین آغاز شد. بسیاری از کمونیست‌ها و از جمله مائو که از این کشتار جان سالم به در بردند به مناطق دوردست و کوهستان‌های حدفاصل میان استان‌های گیانگی Kiangsi و هونان Hunan پناه بردند و جمهوری گیانگسی - هونان را تأسیس کردند و به ایجاد ارتش پرداختند (سند ۴).

انقلاب دهقانی

مائو مدت‌ها پیش دریافته بود که اکثریت عظیم مردم چین یعنی دهقانان، مورد تحقیر و در فقر و پریشانی به سر می‌بردند. کارل مارکس رهبری انقلاب را از آن کارگران

چین «گوئومین تانگ» Kuomintang گمیت (KMT) تحت رهبری سون یات - سن sunyat-sen و روس‌ها فکر می‌کردند که کمونیست‌های چین باید بکوشند که برای ایجاد وحدت و نیرومند ساختن چین با گوئومین تانگ همکاری کنند. در همین حال کمونیست‌ها به ادامه‌ی انقلاب کمونیستی امیدوار بودند و هم از این رو بسیاری از «کمونیست‌ها» و از جمله «مائو» برای تشکیل دولت ائتلافی به گوئومین تانگ پیوستند.

بعد از مرگ دکتر سون یات - سن در ۱۹۲۵ جانشین او جیانگ گای - شگ Chiangkai-shek رهبر گوئومین تانگ شد و با کمونیست‌ها از در مخالفت درآمد و در ۱۹۲۷ بسیاری از کمونیست‌های شانگهای

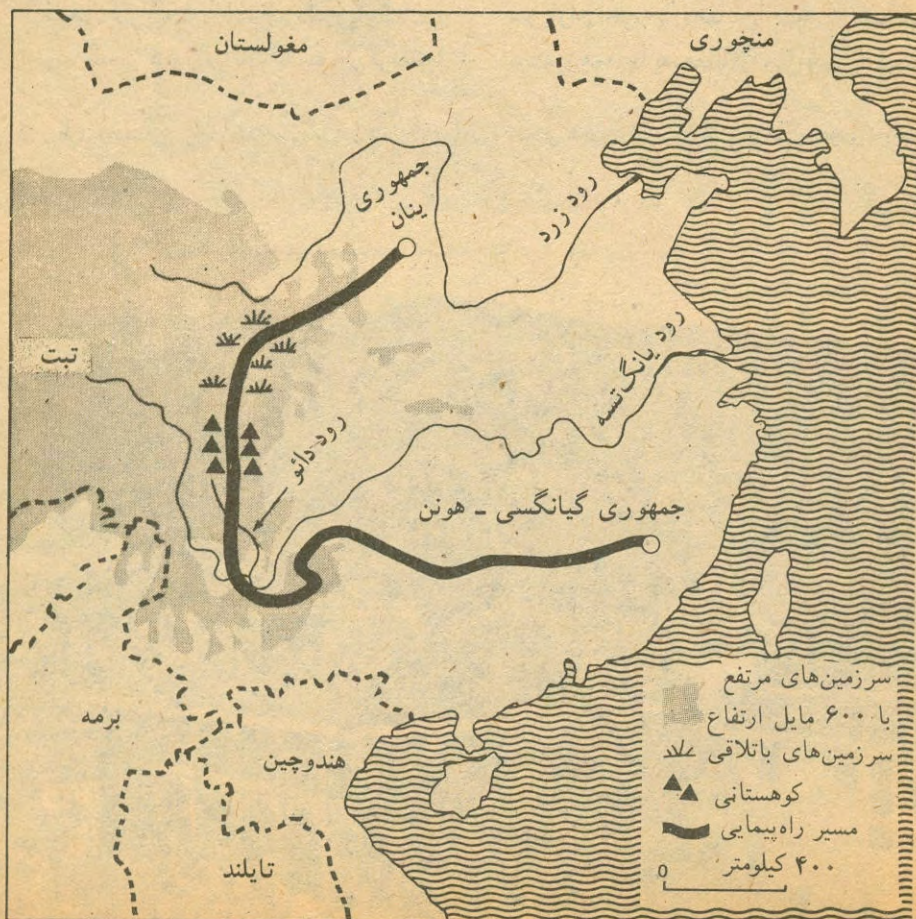
جیانگ گای - شگ را شکست دادند

راه پیمایی بزرگ

با وجود پیروزی کمونیست‌ها آشکار بود که ادامه جنگ‌های پارتیزانی در برابر سپاهیان دشمن برای مدت طولانی ناممکن است. وقتی در پنجمین یورش جیانگ گای - شگ می‌کوشید که سپاهیان کمونیست را شکست دهد کمونیست‌ها خط محاصره‌ی سربازان گومین تانگ را شکستند و در

صنایع می‌دانست اما چین کشوری کشاورزی بود که صنایع آن پیشرفتی نکرده و اکثریت با دهقانان بود. «مائو» وظیفه‌ی رهبری انقلاب را در چین به دهقانان واگذار تا علیه دشمنان خود بپاخیزند (سند ۵). در این دوره مهمترین مسأله برای کمونیست‌ها زنده ماندن و ادامه انقلاب بود چرا که جیانگ گای - شگ پنج بار کوشیده بود که منطقه‌ی سرخ را به محاصره درآورد. و کمونیست‌ها هر بار با استفاده از شیوه جنگ‌های چریکی که به سرعت در آن مهارت یافته بودند - ارتش

مسیر راه پیمایی بزرگ



آنان را با تیرهای زهرآلود نابود می نمودند و گاه مجبور به عبور از مرداب ها و لجن زارهایی بودند که در شرق مأوای همان قبایل قرار داشت و باران مداوم و نبودن پناهگاه آنان را آزار می داد.

خوراك سربازان در بسیاری از مناطق خوشه های سبز گندم و گیاه بود و در مناطق مردابی ایستاده و در حالیکه به هم تکیه می دادند می خوابیدند. اما این مردان شجاع به هر جا رفتند ایده های خود را برای مردم تشریح کردند و به هنگام حرکت فردی را در منطقه به جای نهادند تا روستائیان را برای مقابله با اربابان و سربازان گومین تانگ سازمان دهد. کمونیست ها در مورد رفتار سربازان خود با دهقانان بسیار سخت گیر بودند و همه جا به دهقانان احترام می گذاردند

شانزدهم اکتبر ۱۹۳۴ عازم جنوب غرب شدند. بدینسان راه پیمایی بزرگ با شرکت ۱۰۰/۰۰۰ کمونیست برای یافتن منطقه ای امن و مرکز ستاد جدید آغاز شد. آنان نزدیک به ۲۰/۰۰۰ کیلومتر مناطق صعب العبور و خطرناک را پیاده طی کردند و در پایان راه تنها ۲۰/۰۰۰ نفر از آنان زنده ماند و یکسال بعد از آغاز راه پیمایی به ینان در منطقه دورافتاده ی شمال غربی چین رسیدند.

اینك از این راه پیمایی به عنوان کار شجاعانه و قهرمانی در همه جا یاد می شود. سربازان سپاه سرخ در طی این راه پیمایی شجاعت و مهارت های بزرگی نشان دادند (سند ۷)؛ گاه در برابر قبایلی قرار داشتند که باهمه ی غیر بومیان دشمن بودند و با غلتاندن خرسنگ از کوه راه آنان را سد می کردند یا

در طول راه پیمایی بزرگ کنفرانسی در این تالار در «دزون» تشکیل شد و «مائوتسه تونگ» به رهبری حزب کمونیست برگزیده شد.





در «ینان» کمونیست‌ها در پناهگاه‌هایی می‌زیستند که در دل صخره‌ها ایجاد شده بود و در این تصویر گروهی را می‌بینید که سرودهای میهنی را تمرین می‌کنند.

و در برابر هرچه نیاز داشتند بهای آنرا پرداخت می‌کردند (سند ۸). بدینسان شمار حامیان کمونیست‌ها در چین روزبه‌روز فزونی گرفت و در همه جا کمونیست‌ها مردم را امیدوار و بدانان نوید زندگی بهتری را در آینده نزدیک دادند.

«ینان»

جیانگ گای شگ به اجبار (پس از آنکه گروهی از سربازانش او را به اسارت گرفتند و ادار به مقابله با ژاپن و همکاری کمونیست‌ها کردند) سربازان خود را فراخواند و با کمونیست‌ها علیه مهاجمان ژاپنی متحد شد و پیمان‌نامه‌ای در ۱۹۳۶ بین او و کمونیست‌ها برای نبرد با دشمن و متارکه‌ی جنگ داخلی به امضاء رسید. کمونیست‌ها رهبری جنگی «جیانگ گای-شگ» در جنگ با ژاپن را پذیرفتند اما در نبرد با ژاپنی‌ها که از ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۵ به طول انجامید به علت قابلیت کمونیست‌ها به تدریج رهبری به دست سربازان کمونیست افتاد، چرا که مهارت کمونیست‌ها در جنگ‌های

نفوذ کمونیسم در مدتی کوتاه بسرعت گسترش یافت. کمونیست‌ها در ینان ستاد استوار و سالمی را پدید آوردند و دولت خود را در مناطق تحت کنترل تأسیس کردند. این زمان سپاه مقتدر ژاپن چین را تهدید می‌کرد،

پارتیزانی از فعالیت سربازان گومین
تانگ موثرتر بود و زمانی که جنگ ژاپن
به پایان رسید کمونیست‌ها در عمل نشان
داده بودند که کارآیی آنان بیشتر و
وطن پرستی آنان در برابر سربازان فاسد و
بی‌ثبات گومین تانگ غیرقابل تردید بود.
وقتی پس از جنگ با ژاپن جنگ داخلی
دیگر بار آغاز شد حامیان چیانگ گای -
شگ به سرعت کاهش یافت و به زودی
کمونیست‌ها کنترل سراسر چین را در دست
گرفتند و چیانگ گای - شگ و بقایای
گومین تانگ به جزیره‌ی تایوان Taiwan
گریختند. در اول اکتبر ۱۹۴۹ مائوتسه
تونگ ایجاد جمهوری خلق چین را از
دروازه‌ی صلح آسمانی در پکن اعلام کرد.

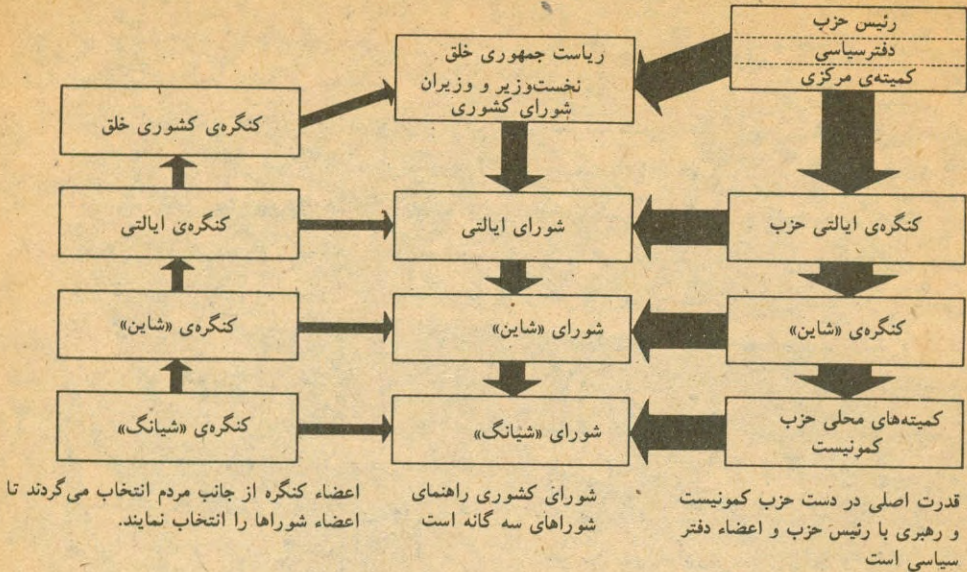
رهبر جدید

در طی راه پیمایی بزرگ مائوتسه تونگ
به رهبری حزب کمونیست چین برگزیده شد
و اینک او بزرگترین رهبر چین بود. اندیشه‌ی
او در زمینه‌ی انقلاب دهقانی پس از سالها
تلاش مورد پذیرش قرار گرفته بود اما او
انسانی خودخواه نبود و همیشه آماده بود تا
اندیشه‌های خود و احیاناً خطاهای دولت را
مورد نقادی قرار دهد (سند ۹).

برخی از نقادان می‌گویند مائو بیش از حد
به روستاها و دهقانان پرداخته و از شهرنشینان
و مردم آن سوی مزرعه‌های چین غافل شده و
مخالفت مخالفان را در این راه نپذیرفته است

«مائوتسه تونگ» به هنگام اعلام ایجاد جمهوری خلق چین در اول اکتبر ۱۹۴۹ در پکن





دولت

دولت مساله اساسی اداره‌ی کشور بزرگی چون چین بود. در چین کهن هر ناحیه یا شاین را حکمرانی بود که از فارغ التحصیلان مدارس استخدامی انتخاب می‌شد و هر حکمران کارگزاری بود که با مردم کمتر رابطه داشت و در واقع از مردم نبود. به‌هنگام انقلاب ۱۹۱۱ مدتها بود که این مناطق حکمران مقتدری نداشتند و بعد از پیروزی کمونیست تلاش آنها ایجاد دولت مقتدری بود که بر نیروی فرو دست‌ترین مردمان استوار و از فرمانروایی به‌تنهایی بپرهیزد و با مردم یگانه شود و همه‌ی گروه‌ها به‌گفتگو و عمل بپردازند (سند ۱۳). در این سیستم چهار کنگره‌ی محلی و ناحیه‌ای و ایالتی و در صورت

(سند ۱۰): در این زمینه باید گفت که مائو بی‌شک به کسانی که اصول نظرات او را نمی‌پذیرفتند نظر مساعدی نداشت اما هیچگاه در اندیشه‌ی انتقام‌جویی فردی از کسانی که از او حمایت نمی‌کردند نبود و تلاشش این بود آنها را به مبارزه در راه مردم تشویق کند و بدان‌ها فرصتی دهد تا اندیشه‌های خود را اصلاح کنند (سند ۱۱). مائو بر آن بود که در عمل و گفتگو و بحث است که کمونیسم را بر می‌گزینند و رهبران کمونیست آنان را یاری می‌دهند تا جامعه و خویش را دیگرگون سازند و در چنین شرایطی است که هر چینی احساس مسئولیت می‌کند و به پایان کار توجه دارد (سند ۱۲). بزرگترین خواست مائو خدمت به مردم بود و معهذاً مائو و رفقایش در دولت جدید چین با مسائل بیشماری در این راه مواجه شدند.

ارتش آزادی خلق نام گرفت و به سپاهیان منطقه‌ای و ناحیه‌ای تبدیل و دارای سازمان کمونیستی موازی سازمان کمونیستی کشوری شد. در مدت جنگ‌های داخلی و نبرد با ژاپن سپاهیان کمونیست علاوه بر شرکت در جنگ در کارهای تولیدی زراعی و صنعتی نیز شرکت می‌جستند و در بحث‌های سیاسی و فعالیت‌ها نقش حساسی داشتند (سند ۱۴) - و هنوز در همه‌ی این فعالیت‌ها شرکت می‌جویند - و بدینسان ارتش نقش فعالی را در جامعه‌ی چین - به‌عهده داشت. بدینسان اینک ارتش چین دو شادوش کارگران و دهقانان چین در کار و در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی به‌فعالیت پرداخته و از مردم به‌دور نیست.

زمین‌های زراعی

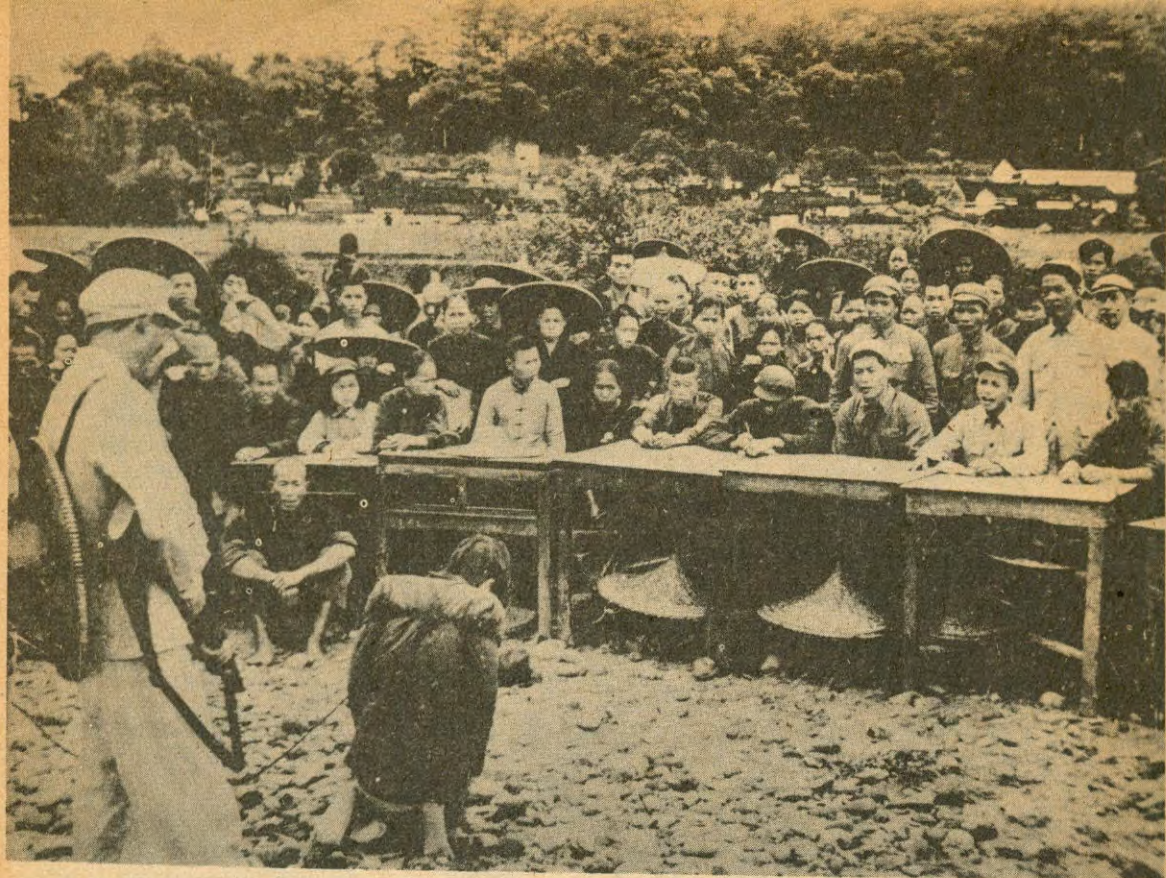
دومین مسأله سیستم نو در چین

لزوم کشوری وجود دارد که اعضاء آن از جانب مردم انتخاب می‌شوند. اعضاء این کنگره‌ها با اتکای به‌نظر انتخاب کنندگان خود یعنی مردم به‌انتخاب اعضاء شوراهای سه‌گانه می‌پردازند و این شوراهای مجری کارهای دولت در امور مختلف‌اند و حزب کمونیست بزرگترین سازمان جامعه‌ی جدید چین بر کار کنگره‌ها و شوراهای مختلف نظارت دارد و پذیرفتن عضویت حزب درواقع پذیرفتن مسئولیت انجام کارهای مردمی است. راهنمایی‌های لازم در همه‌ی زمینه‌های تحولاتی و انقلابی بر عهده حزب است و حزب با شوراهای سطوح مختلف رابطه دارد و بر کارهای آنان در اجرای خط‌مشی‌های کمونیستی موردنظر نظارت دارد؛ و پیش از این ریاست حزب کمونیست چین به مائوتسه تونگ واگذار شد.

ارتش سرخ بعد از رسیدن به‌پیروزی

سربازان ارتش آزادی خلق به‌همگام همکاری با دهقانان در مزارع





محاکمهی یکی از اربابان پیشین به جرم استثمار دهقانان در دادگاه خلق.

کارهای زراعی یاری دهند، و بعدمزارع را به مزارع پیوسته تعاونی که معمولاً زمین‌های يك روستا را در بر می‌گرفت تبدیل کردند و به علاوه به هر خانواده تکه زمین کوچکی برای سبزی کاری واگذار شد. در سال ۱۹۵۵ فعالیت وسیعی برای واداشتن دهقانان به کار در تعاونی‌ها انجام گرفت و سه سال بعد مزارع تعاونی به کُمون‌های خلق تبدیل شد. بدینسان هر روستای تعاونی تبدیل به يك بریگاد تولیدی شد که با پیوستن به روستاهای دیگر يك کُمون را به وجود آورد که هر کُمون گاه جمعیتی در حدود

زمین‌های زراعی و مالکیت آن و چگونگی استفاده بیشتر از زمین برای تولید بیشتر بود. در سیستم نو زمین‌های زراعی متعلق به کسانی است که بر روی زمین کار می‌کنند. بسیاری از زمینداران بزرگ و اربابان با پیروزی انقلاب دهقانی نابود شدند و زمین‌های آنان به دهقانان واگذار شد و بعد از آن مالکیت زمین اشتراکی و از آن پس کارها به صورت جمعی انجام می‌گیرد. بدینسان کمونیست‌ها دهقانان را واداشتند که نخست با پیوستن به گروه‌های کمک دوجانبه همدیگر را در

۵۰۰۰ نفر یا بیشتر را شامل می‌گردد؛
و اکنون کمون‌ها جانشین بخش‌های
قدیمی واحدهای حکومت ایالتی است.

تغذیه و صنعت

با ایجاد کُمون‌ها و پیوند دهقانان با
یکدیگر امکان اجرای طرح‌های بزرگی
چون ایجاد سد، نیروگاه‌های تولید برق،
ایجاد مدارس و بیمارسان که یک روستا
به‌تنهایی از عهده‌ی آن بر نمی‌آمد فراهم
شد؛ و این کاری بزرگ بود چرا که
افزایش تولید مواد خوراکی برای
جمعیتی که اکنون در حدود ۱۰۰۰
میلیون نفر است از ضروریات و مازاد
تولید مایه‌ی پیشرفت در سایر
زمینه‌هاست. تنها با اضافه تولید و تولید
بیش از مصرف است که امکان پیشرفت
صنعت فراهم می‌آید. دهقانان چینی
بدینسان برای افزایش تولید به‌سخت

کوشی پرداخته‌اند و با شخم زدن زمین‌ها
با دقت، استفاده از کود، اصلاح بذر،
کنترل مواد غذایی، هدایت آب به‌مناطق
خشک و استفاده‌ی دقیق از هر وجب از
خاك به‌پیشرفت‌های بزرگی دست یافته و
این تلاش‌ها افزایش محصول را ممکن
ساخته است.

صنعت

اگرچه در مقایسه‌ی با آمریکا، ژاپن و
اروپا پیشرفت صنعتی چین چندان زیاد
نیست اما در مقایسه با گذشته این
کشور به‌پیشرفت‌های بزرگی دست یافته
است. بعد از ۱۹۴۹ با ایجاد جمهوری
خلق چین به‌رهبری مائوتسه تونگ،
بانك‌ها و موسسات بازرگانی و
کارخانه‌های خصوصی به‌دولت واگذار
شد. برنامه‌هایی برای افزایش تولیدات
صنعتی تدوین و صنایع بنیادی چون

پل پنج کیلومتری «نن کینگ» پل دوطبقه‌ای که محل عبور قطار و اتومبیل و در ۱۹۶۹ بر رود «بانگ تسه» ایجاد شد.





چین هنوز هم کشوری فقیر است، کشوری که با اتکاء به نیروی انسانی به جای استفاده از ماشین، طرح‌های بزرگی را به مرحله‌ی اجرا در می‌آورد و از آن جمله است استفاده از نیروی انسانی برای ایجاد نیروگاه برق رود Haiho در این تصویر.

تشویق کرد و از این جمله است ایجاد بزرگراه و پل راه آهن ایجاد شده در نن کینگ بر رود سرکش و خروشان یانگ تسه، و اقمار مصنوعی که به گرد زمین می‌گردند و سرود میهنی شرق سرخ را به‌نوا در می‌آورند. و گاه مائو می‌کوشد

تولید نفت، زغال‌سنگ، فولاد، منسوجات و حمل و نقل و صنایع مصرفی چون تولید رادیو، ساعت و دوچرخه و غیره به پیشرفت‌های بزرگی دست یافت. پیشرفت صنعتی چین نو در برخی از زمینه‌ها همگان را به کار و کوشش بیشتر



«پزشك پابرهنه» ای که برای دادن خدمات اولیه بهداشتی و پزشکی به میان چوپانان چادرنشین مراتع شمالی راه یافته است.

و موش و دیگر ناقلان بیماری‌ها شدند (سند ۱۵) و طی چند سال چین به‌تمیزترین کشور آسیای مبدل شد. در سال ۱۹۴۹، از هر هزار نفر کودک یکساله‌ی چینی ۱۴۰ نفر از بیماری می‌مردند و این رقم در سال ۱۹۵۶ با پیشرفت پزشکی و بهداشت به ۳۷ نفر و چندی بعد به‌اندکی بیش از ۲۰ نفر یعنی در حد کشورهای اروپایی غربی کاهش یافت.

با توجه به‌جمعیت چین تعداد پزشکان نسبت به‌جمعیت اندک و تربیت پزشک

تا پیشرفت اقتصادی چین را سرعت بیشتری بخشید و از آن جمله است درخواست او در سال ۱۹۵۸ از مردم برای جهش بزرگ در تولید که به‌سبب نامساعد بودن شرایط چندان موفقیت‌آمیز نبود.

پزشکان پابرهنه (روستایی و عمومی)

در سال ۱۹۵۰ به‌رهبری مائوتسه تونگ مردم چین مأمور پاک‌سازی شهرهای چین و نابودی حشرات، شپش

آرمان‌های کمونیسم به‌مدارس خاص
بزرگسالان می‌روند.

دگرگونی سنت‌های کهن

مائو در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «باید گذشته را در خدمت آینده نهاد و برای پیشرفت آینده از خطاهای گذشته دوری کرد». اگرچه چنینان به پیشرفت‌های بزرگ گذشته و از جمله پیشرفت در معماری و هنر افتخار می‌کنند اما به‌گفته‌ی رهبران کمونیسم بسیاری از ویژگی‌های زندگی گذشته‌ی مردم چین نادرست و باید دیگرگون شوند؛ در این زمینه از دو تغییر مورد توجه کمونیست‌ها باید یاد کرد که یکی تغییر موقعیت و نقش زنان در جامعه و دیگر تغییر نظر نسبت به دهقانان است.

برطبق نظرات کنفسیوس و پیروان او زنان موجودی فرو دست و پیر و مردان و مائو در این زمینه یکی از مخالفان بزرگ نظرات کنفسیوس و پیروان او در این زمینه است؛ و چنین است که از ۱۹۴۹ به بعد زنان چینی نقش حساسی را در تولید و نیز کارهای مربوط به زنان در کمون و کارخانه به عهده گرفته‌اند. اکنون زنان چینی علاوه بر انجام کارهایی که پیش از این خاص مردان بود در مهد کودک، کارگاه‌ها و کارخانه نیز کار می‌کنند و مردان نیز در انجام کارهای خانه زنان را کمک می‌کنند، اما هنوز راه درازی برای تساوی کامل زن و مرد در پیش است.

بازگشت به روستا

در گذشته مردمی که در شهرها زندگی می‌کردند و دیوانیان و فرهیختگان و کسانی که

مستلزم داشتن فرصت زمانی و صرف مخارج زیاد است و به‌علاوه بیشتر پزشکان در مناطق شهری به کار مشغول می‌شوند. مائو برای ارائه‌ی خدمات بهداشتی در مناطق روستایی طرحی را پیشنهاد کرد که طی آن پزشکان پابرهنه که بیشتر دختران روستایی بودند با گذراندن دوره‌های کوتاه مدت چند هفته‌ای بهداشت و مامایی و بیماری‌های ساده به روستاها رفتند، و با رفتن این پزشکان پابرهنه به روستاها مردم این مناطق برای نخستین بار از خدمات بهداشتی برخوردار شدند.

بسیج توده‌ها

برای ایجاد تحولات بزرگ در جهت ایجاد زندگی بهتر برای مردم چین دو اصل باید مورد توجه قرار می‌گرفت: نخست ایجاد اشتیاق و علاقه در همگان و دوم توجیه هدف‌ها برای همگان؛ و این دو از طریق آموزش توده‌های مردم و برانداختن برخی از سنت‌های کهن و اندیشه‌هایی میسر برد که مردم چین قرن‌ها از آن پیروی کرده بودند. بدینسان علاوه بر آموزش آنچه که در مدارس غربی آموخته می‌شود مانند خواندن و نوشتن و جغرافیا و ریاضی و غیره (سند ۱۶) دانش‌آموزان و دانشجویان چینی بخش عظیمی از برنامه‌ی آموزشی را به مطالعه اندیشه‌ها و آثار مارکس Marx، لنین Lenin و مائو و گفتگو و بحث در چگونگی به کار بستن آنها در عمل اختصاص داده‌اند، و بزرگسالان که پیش از آزادی و ایجاد جمهوری خلق چین دوران تحصیل را طی کرده‌اند نیز برای آشنایی با ایده‌ها و



مدیران و رؤسای که به مدرسه بازگشته اند تا با زندگی دهقانان با کار در مزرعه آشنا شوند

همکاری با دانش آموزان هر سال به مدارس می روند تا با سخنرانی و گفتگو دانش آموزان را از چگونگی زندگی خویش آگاه سازند.

انقلاب فرهنگی

در هر انقلاب غالباً پس از فروکش کردن هیجانات مردم و پدید آمدن آرامش، مردم به کارهای معمولی می پردازند و انقلاب از مسیر خود خارج می شود و گویی هیچ حادثه ای روی نداده است. مائو از چنین رویدادی نگران و مردم چین را از آن برحذر می داشت. او بر آن بود که اگر انقلاب از تحرك باز بماند به گذشته باز می گردد. بازگشت به گذشته به معنی بازگشت به اندیشه ها و

کار فکری داشتند دهقانان و کارگران و کسانی را که کار دستی داشتند تحقیر می کردند و این نظر را توجه به اکثریت دهقانان و کارگران در جامعه ی چینی باید تغییر می یافت. بعد از به قدرت رسیدن کمونیست ها طبق قانون کارگران یقه سپید و دانشجویان باید هر سال مدتی از وقت خود را به کار در مزارع و کارخانه ها و کارهای بدنی اختصاص دهند تا با شرایط کار دهقانان و کارگران آشنا و به آنان نزدیکتر شوند. (سند ۱۷) و به علاوه دانش آموزان موظف گردیدند که پیش از رفتن به کالج و بعد از پایان تحصیلات دبیرستانی دوره ی دوساله ای را به کار در مزارع و کارخانه ها بپردازند. دهقانان و کارگران نیز در این زمینه علاوه بر

احساسات جامعه‌ی کهن چینی است چرا که به نظر مائو تمایل به سرمایه‌داری کاملاً نابود نمی‌شود و برای دوری از چنین تمایلی انقلابی دیگر از ضروریات است. انقلاب اقتصادی و اجتماعی و تغییر مالکیت مزارع و کارخانه‌ها پایان یافته و اکنون انقلاب مورد نیاز انقلابی فرهنگی بود، انقلابی که بر اساس آن مردم بیش از اندیشه‌ی به خود به دیگران می‌اندیشیدند و شعار آن «خدمت به خلق» بود.

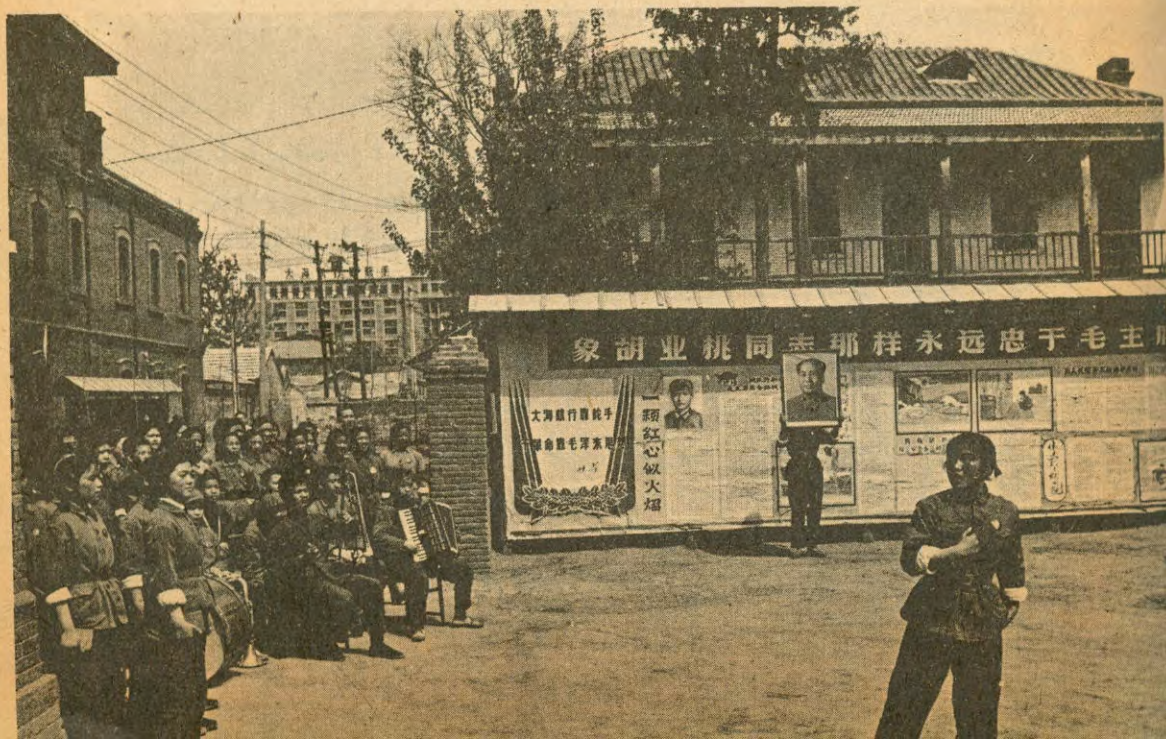
انقلاب فرهنگی در اواخر سال ۱۹۶۵ آغاز و با الهام از کتاب سرخ کوچک در بردارنده‌ی گزیده‌ی سخنرانی‌ها و نوشته‌های مائو تونگ گسترش یافت. اکنون مائو بیش از پیش مورد توجه مردم قرار گرفته و پیروی مردم از او چون اطاعت از مقدسان بود. تصاویر و مجسمه‌ها و شعار بیشماری از مائو در همه جا به چشم می‌رسید و با این همه هدف بزرگداشت اندیشه‌های او بود و مائو

کوشش داشت از نفوذ خود بر مردم برای پیشبرد اندیشه‌های انقلابی بهره گیرد و بعد از انجام انقلاب فرهنگی ستایش مائو پایان یافت.

مائو مردم را تشویق کرد تا دولتمردان و روسای را که با قدرت یافتن در سودای راحتی خویش بودند مورد نقادی قرار دهند و انتقادات خود را برای آگاهی همگان در آگهی‌های بزرگ دیواری در معرض قضاوت همگان بگذارند.

برخی از افرادی که مورد انتقاد شدید قرار گرفتند از رهبران حزب کمونیست و کسانی بودند که مائو نیز آنان را مورد انتقاد قرار داده بود (سند ۱۹). مدتی چین دچار تغییرات بزرگ و ناگهانی و بسیاری از مدیران کارخانه‌ها و روسای شوراهای ایالتی و زمان‌های دیگر توسط کمیته‌های انقلابی از کار برکنار و جای آنان را به کارگران و دهقانان واگذار شد (سند ۲۰). حزب کمونیست

گروهی از دانش‌آموزانی که اندیشه‌های «مائو» را با سرود و رقص و نمایش تبلیغ می‌کنند.





سفر «گاردهای سرخ» در دوره‌ی انقلاب فرهنگی به قسمت‌های مختلف چین برای کسب تجربه. و این تصویر راه‌پیمایی به‌جانب «ینان» Yenan است.

چین و کشورهای دیگر از ۱۹۴۹

نخستین هدف چین کمونیست تأمین امنیت داخلی و نیز مناطق گسترده و دورافتاده‌ی خارجی چون سین کیانگ Sinkiang و تبت یا سرزمین‌هایی بود که اگرچه از گذشته جزء چین بودند اما مردم آنان چینی نبودند. منچوری Manchuria نیز از مراکز صنعتی بزرگی بود که به‌هنگام استیلای ژاپن صنعت آن گسترش یافته و اکنون باید تحت کنترل چین قرار می‌گرفت. غرب چین به‌کوه‌های بلند و صحاری

تجدید سازمان یافت و برای مدتی بسیار کوتاه ارتش زمام امور را در دست گرفت چرا که ناآرامی ناشی از علاقه‌ی شدید همگان به مسائل چین سراسر چین را فرا گرفته و اکنون که انقلاب فرهنگی پیروز شده بود نیاز به آرامش بود. در طی این انقلاب مردم کارگزاران و رهبران کمونیست را مورد نقادی قرار دادند و برخی از رهبران خطا کار سقوط کردند (سند ۲۱). با آغاز سال ۱۹۷۰ آرامش دیگر بار به چین بازگشت و حزب کمونیست دیگر بار قدرت را به دست گرفت و اثرات ناشی از انقلاب فرهنگی بر جای ماند.

خشک می‌انجامد و در جنوب و شمال به سبب مرز گسترده چین به همسایگان مطمئن نیاز دارد و هم بدین دلیل است که چین از دولت‌های کمونیست کره، ویتنام حمایت می‌کند و در جنگ‌های شمال و جنوب این کشورها شمال را مورد حمایت قرار داد و در کره وقتی مرزهای چین مورد تهدید قرار گرفت مستقیماً وارد جنگ با کره‌ی جنوبی و سربازان آمریکا شد.

چین و قدرت‌های بزرگ

چین هنوز هم به قلمرو بزرگ می‌اندیشد و حمایت آمریکا از تایوان Taiwan و تسلط اتحاد جماهیر شوروی بر بخشی از قلمرو گذشته‌ی چین در شمال چین کنونی یکی از

مشکلات چین است. روسیه‌ی تزاری در سده‌ی نوزدهم بخش بزرگی از سرزمین‌های آن سوی دیوار چین را به تصرف درآورد و اگرچه اکنون هر دو کشور از قدرت‌های بزرگ جهان «کمونیست» اند اما هنوز هم اختلافات پیشین برجاست. (این اختلاف بیشتر ناشی از برخوردهای ایدئولوژیک و ادعای رهبری جهان کمونیسم از جانب این دو قدرت بزرگ است تا اختلافات مرزی. مائو بعد از مرگ استالین اتحاد جماهیر شوروی را تجدیدنظر طلب و سازشکار با غرب و پیرو راه سرمایه‌داری و سربچی از آرمان‌های کمونیسم می‌داند و آنان نیز تئوری‌های مائو را غیر قابل اعتماد می‌خوانند. در آغاز انقلاب چین و تا زمان زنده بودن استالین اتحاد جماهیر شوروی

«ماجن - بینگ» Machen-ping و «ونگ گئی - مین» Wengkei-min اعضای کمیته‌ی انقلابی در یک مدرسه که در اداره‌ی مدرسه دخالت دارند.



کشور را اندکی بهبود یافت (و با شکست آمریکا توسط مردم قهرمان ویتنام جنوبی، حلقه‌ی محاصره‌ی پیشین نابود شد).

چین و جهان سوم

از نظر چین دو ابر قدرت (یعنی آمریکا و اتحاد شوروی برآند که جهان را بین خود تقسیم و مورد فرمانروایی قرار دهند و عکس‌العمل چین در برابر این دو کشور روی آوردن به قدرت و نمونه‌ای از این تلاش ساختن بمب اتمی و هیدروژنی توسط چین است. چین کشورهای جهان سوم و کشورهای فقیر آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی را به دوری از ابر قدرت‌ها و مقاومت در برابر آنها تشویق می‌کند و انقلابات

دولت کمونیست چین را با دادن کمک‌های مالی و فنی کمک می‌کرد (سند ۲۲) و از ۱۹۶۰ به بعد این کمک‌ها متوقف شد.

روابط چین و ایالات متحده‌ی آمریکانیز بعد از جنگ کره -۵۳- ۱۹۵۰ تیره گردید و آمریکا دولت‌های ضد کمونیست، ویتنام جنوبی و کره‌ی جنوبی و نیز دشمن پیشین چین یعنی ژاپن و جیانگ گای - شگ را مورد حمایت قرار داد و از این کشورها چون حلقه‌ای برای جلوگیری از گسترش نفوذ چین استفاده جست. سال‌ها ایالات متحده‌ی آمریکا از راه یافتن چین به سازمان ملل متحد (UNO) جلوگیری کرد اما سرانجام با قدرت یافتن چین این کشور در سال ۱۹۷۱ به سازمان ملل راه یافت و در ۱۹۷۲ با سفر رئیس جمهور آمریکا به چین روابط دو

«چون لای» نخست‌وزیر پیشین چین در کنفرانس «ژنو» به سال ۱۹۵۴. مشهورترین رهبر چین نزد مردم سرزمین‌های دیگر که به سال ۱۹۷۶ درگذشت.





دومین رهبر چین که در سال ۱۹۷۱ مغضوب و برکنار شد

مائو تأثیر گرفت. نبرد پارتیزانی و دهقانی که به قدرت یافتن کمونیست‌ها در چین انجامید از ابداعات او بود و هم بدین سبب پس از پیروزی انقلاب ۱۹۴۹ نیز راه‌روال سیاسی و پیشنهادی او دنبال شد. بسیاری از رهبران چینی هم زمان مائو به سبب مخالفت با او از دایره‌ی قدرت خارج و فراموش شدند. برخی برآنند که پیروزی چین با تسلط کمونیست‌ها به از میان رفتن آزادی در چین! انجامیده و بهای گزافی برای این پیروزی پرداخت شده است اما همه‌ی چینیان چین امروز را از گذشته بهتر می‌بینند و

دهقانی کشورها را با کمک‌های خود مورد حمایت قرار می‌دهد.

آیا راه چین می‌تواند در کشورهای دیگر نیز مورد استفاده قرار گیرد؟

پیروزی‌های بزرگ مائو تسه تونگ در چین شگفت‌انگیز بود؛ او با سامان دادن چین کشور را یک پارچه و مردم را یگانه ساخت و تحولات وسیعی در روال کشورداری و راه و رسم زندگانی مردم پدید آورد و همه‌ی این دیگرگونی‌ها از اندیشه‌های

پیروزی‌های درخشان آنرا از رهبری
هوشیارانه‌ی مائوتسه تونگ می‌دانند.

چین برای کشورهای فقیر نمونه‌ای
جذاب است اما راه و روال نمی‌تواند مورد
تقلید کورکورانه‌ی کشورهای دیگر قرار
گیرد. بسیاری از راه‌هایی که چین در رفع
مشکلات خویش از آن بهره می‌گیرد برای
کشورهای دیگر نیز راهنمایی مناسب است و
از آن جمله است استفاده‌ی از امکانات و
برگزیدن ساده‌ترین راه حل‌ها برای حل
مشکلات و استفاده از ماشین‌های ساخت
چین برای رهایی از نیاز به کارشناسان و
تکنیسین‌ها و ماشین‌های پیچیده‌ی خارجی.
تاریخ و فرهنگ چین با راه انتخاب شده

سند ۱

مطالعه‌ی آثار کلاسیک مائو - توجه کنید که در داستان‌های قدیمی چینی ذکری از دهقانان نشده
است.

... با مطالعه آثار کلاسیک چینی یعنی افسانه‌ها و داستان‌های کهن به نکته‌ی عجیبی پی بردم و
دیدم که دهقانان و کشت‌کاران چینی را در این آثار راهی نیست. قهرمانان و شخصیت‌های این
آثار جنگاوران، کارگزاران و فرهیختگان و در همه‌ی آنها حتی يك قهرمان روستایی هم وجود
نداشت. این نکته نزدیک به دو سال اندیشه‌ام را به خود مشغول کرده بود تا به تجزیه و تحلیل این
آثار پرداختم و دریافتم که همه‌ی این آثار در جهت بزرگداشت جنگاوران مشهور، فرمانروایان و
کسانی بود که بازراعت و کشاورزی کاری نداشتند و تنها بر دهقانان فرمان می‌راندند تا دهقانان
در کارهایشان کنترل نمایند.

سند ۲

قحطی در «چانگ شا» Changsha مائو - نقل «سرگذشت من» نوشته مائو، ۱۹۳۷» او آن
شورش‌های دهقانی را که خود در جوانی شاهد آن بود وصف می‌کند.

... این زمان (پیش از انقلاب ۱۹۱۱) در هونان حادثه‌ای اتفاق افتاد که به شدت مرا تحت

تأثیر قرار داد. در آن سال قحط‌سالی بزرگی روی داد و هزاران نفر از مردم «جانگ شا» را به‌مخاطره افکند. مردم گرسنه نماینده‌ای را نزد فرماندار فرستادند و از او تقاضای کمک کردند و فرماندار در پاسخ تقاضای آنان با تکبر گفت: «چگونه شما از قحطی سخن می‌گویید؟ انبارهای شهر پراز آذوقه است و من نیز آذوقه‌ی فراوانی در انبار دارم پس از قحطی خبری نیست»؛ و هنگامی که نماینده‌ی قحطی زدگان پاسخ فرماندار را به‌مردم گفت مردم خشمگین به‌مرکز فرمانداری یورش بردند و با پایین کشیدن پرچم فرمانداری فرماندار منچو را نیز از شهر بیرون راندند. به‌دنبال این رویداد یکی از ماموران امور داخلی به‌نام چانگ Chang سوار بر اسب به‌میان مردم خشمگین آمد و بدانان وعده‌ی کمک داد اما امپراتور او را به‌سبب خوشرفتاری با عوام او را از کار برکنار و فرماندار تازه‌ای را به‌منطقه اعزام کرد. فرماندار جدید به‌فرمان امپراتور رهبران شورش را دستگیر و بسیاری از آنها را گردن زد و سر آنها را برای عبرت دیگران بر بالای ستون‌های چوبی قرار داد...

سند ۳

عصیان دهقانان: مائو - گزارشی درباره‌ی جنبش دهقانی در هونان، در ۱۹۲۷.

عصیان دهقانان رؤیاهای شیرین اشراف را آشفته کرد. پس از ورود به‌جانگ شا با مردم طبقات مختلف تماس گرفتم، همه‌ی افراد طبقه‌ی متوسط به‌بالا وضع را وحشتناک توصیف می‌کردند اما واقعیت این بود که دهقانان برای انجام رسالت تاریخی خود به‌پاخواسته و درصدد نابوی فتودالیزم روستایی بودند. در مدت چندماه دهقانان به‌هدف‌هایی که دکتر سون یات - سن چهل سال برای رسیدن بدان تلاش کرده بود دست یافتند، و این پیروزی بزرگی بود که نه چهل سال تلاش که کوشش‌های هزاران سال در دست‌یابی بدان ناتوان مانده بود. پیروزی شگفت‌انگیز و شکوهمندی بود. این روزها وقتی مناطق روستایی می‌روید بی شک احساس شگفت‌انگیزی به‌شما دست می‌دهد، هزاران بنده - دهقان - دشمنی را از پا در می‌آورند که سال‌ها از گوشت آنان تغذیه کرده و توانایی آنان در ناتوانی دهقانان بوده است.

سند ۴

ارتش سرخ - از مقاله «پیکار در کوهستان‌های دیزین کیانگ» نوشته شده در ۱۹۲۸.

اکثریت سربازان سپاه سرخ از سربازان مزدور پیشین است که از زمانی که به‌سپاه سرخ پیوسته‌اند شخصیت آنان دیگرگون شده است. بیش از هرچیز سپاه سرخ سیستم مزدوری منسوخ و از سربازان افرادی ساخته است که احساس می‌کنند برای خود و مردم سرزمین خویش می‌جنگند. در سپاه سرخ پرداخت حقوق ماهانه منظم نیست و به‌سربازان تنها مقداری غله و پول تهیه‌ی سوخت، نمک، سبزیجات و اندکی پول توجیبی پرداخت می‌گردد. تربیت هر سرباز معمولاً

به شش ماه تا یکسال وقت نیاز دارد اما بسیاری از سربازان ما افرادی هستند که دیروز به صفوف ما پیوسته‌اند و امروز مجبورند بدون تمرین قبلی به جنگ بپردازند و برتری آنان بر دیگر سربازان نه از نظر تکنیکی که از شهادت آنها ریشه می‌گیرد. تنها فرصت تربیت این سربازان در زمانی است که از استراحت و مشغولیات معمولی چشم می‌پوشند و این کار با گذشت زمان فراهم می‌شود. کمیته‌ی ایالت هونان از ما خواسته است که سربازان ما اندکی از کارگران و دهقانان در نبرد ماهر تر باشند.

درواقع سربازان سرخ از نظر مهارت در جنگاوری بدترین‌اند و صرف نظر از نقش حزب علت موفقیت آن‌ها در چنین شرایطی وجود دموکراسی است. سربازان اسیر گوئومین تانگ روحیه‌ی سپاه سرخ و سپاه گوئومین تانگ را کاملاً متفاوت می‌دانند و معتقدند که پس از اسارت است که معنی آزادی را دریافته‌اند....

سند ۵

دهقانان، رهبران انقلاب مائو - نوشته شده در ۱۹۲۷.

توده‌ی بزرگ دهقانان فقیر که هفتاد درصد جمعیت مناطق روستایی را در بر می‌گیرد چونان ستون فقرات جوامع دهقانی و طلایه‌دار نیروهایی است که به نابودی فئودال‌ها برخاسته‌اند؛ آنان قهرمانانی هستند که وظایف انقلابی خود را احساس می‌کنند و بدون رهبری انقلاب از جانب آنان پیروزی میسر نیست. انکار نقش آنان در این انقلاب انکار انقلاب و ستیز با آنان ستیز با انقلاب است.

سند ۶

تاکتیک‌های چریکی مائو - خلاصه تاکتیک‌های چریکی ارتش سرخ در چهار شعار (۱۹۳۷).

به‌هنگام پیشروی دشمن، عقب نشینی می‌کنیم!
به‌هنگام آسایش واردوزدن دشمن بدانان آسیب می‌رسانیم!
وقتی دشمن از نبرد دوری جوید، حمله می‌کنیم!
وقتی دشمن عقب نشینی کند، آنان را دنبال می‌کنیم!

سند ۷

راه‌پیمائی بزرگ ادگار اسنو - روزنامه‌نگار آمریکائی که در ۱۹۳۴، عبور سربازان سرخ از روی پل لیو از رود داتو را شرح می‌دهد.

پل نیمه ویرانی به‌عرض نزدیک به یک صد متر که با شانزده زنجیر ضخیم از دو سو به صخره‌های

دوسوی رودخروشان وصل شده بود. سطح پل را تخته‌های ضخیمی تشکیل می‌داد که نیمی از آنها را برداشته و جز زنجیرها گذرگاهی نداشت. در قسمت شمالی فراز پل دشمن برای حفاظت از پل مسلسل کار گذاشته بود.

چه کسی فکر می‌کرد سرخ‌ها از چنین پلی عبور خواهند کرد؟ اما آنان بی پروا چنین کردند و سربازان سرخ يك يك با به‌خطر انداختن خویش و آویختن به زنجیرهایی که بر فراز جریان خروشان رود قرار داشت عبور از پل را آغاز کردند. دشمن نخستین سرباز را گلوله باران کرد و سرباز شجاع در امواج دیوانه‌ی رود ناپدید شد، دومین سرباز و سومین نیز به‌رود افتادند و سرانجام یکی از سربازان سرخ موفق شد و سینه خیز به‌قسمت تخته‌ای پل رسید و نارنجکی را با دقت به‌پناهگاه دشمن و جائیکه مسلسل را کار گذاشته بودند پرتاب کرد. پس از آن بیست سرباز شجاع سرخ با دست و سینه از پل گذشتند و نارنجک‌های خود را یکی پس از دیگری به‌آشیانه مسلسل دشمن پرتاب کردند و به‌ناگاه فریاد پیروزی رفقای که در قسمت جنوبی پل قرار داشتند به‌سوی دیگر راه یافت: زنده باد ارتش سرخ! زنده باد انقلاب! زنده باد سی قهرمان رود داتوا! دشمن با آشفتگی به‌عقب نشینی پرداخت و با پیشروی سپاه سرخ عبور سربازان از پل تنها يك یا دو ساعت به‌طول انجامید و پس از عبور پیروزمندانه از رود داتو سربازان شادمان و سرود خوان در امتداد رود و به‌جانب سزچوان szchuan رفتند.

سند ۸

آئین‌نامه رفتار سربازان ارتش سرخ:

۱. درها را به‌هنگام ترك خانه به‌جای خود بگذارید (درهای چوبی اغلب خانه‌های چینی را اغلب شب بیرون می‌آورند و به‌جای تخت خواب از آن استفاده می‌کنند و روز آن را جای خود نصب می‌کنند)
۲. بوریایی را که برای خوابیدن از آن استفاده می‌کنید پس از بیدار شدن لوله کنید و به‌صاحب آن برگردانید.
۳. نسبت به‌مردم مهربان و مؤدب و بدانان در صورت امکان کمک کنید.
۴. اشیاء قرض گرفته شده را به‌صاحبان آن بازگردانید
۵. اشیاء آسیب دیده را تعمیر کنید.
۶. در مسیر راه و همه جا به‌دهقانان احترام بگذارید
۷. پول اشیائی را که به‌شما می‌دهند بپردازید.
۸. نظیف باشید و به‌ویژه مستراح‌ها را دور از محل اقامت مردم ایجاد کنید.

سند ۹

مائوتسه تونگ: ادگار اسنو - روزنامه‌نگار آمریکائی ملاقاتش را با مائو، در ینان، ۱۹۳۷، وصف می‌کند.

مائو از دیدن انسانی بزرگ و شگفت‌انگیز است. او چون دهقانان چینی دارای سرشتی

سالم و ساده و خنده‌رو و دارای احساسی زنده و دوست داشتنی است. هیچگاه به‌هنگام اجرای کارهای فردی و جمعی او را غمگین نمی‌بینی و حتی زمانی که قصوری در کارها پیش بیاید نیز چنین است. اما خنده‌های کودکانی او مانع از توجه و وفاداری او به‌هدف‌ها نیست. راحت و صریح سخن می‌گوید و زندگانی ساده‌ای دارد و چنان است که گاه برخی به‌اشتباه او را خشن و روستایی می‌دانند و معهذا در موارد ضروری هوشیاری و آگاهی خود را به‌هنگام گفتگو نشان می‌دهد.

مائو یکی از زیرک‌ترین چینیانی است که تا کنون شناخته‌ام. او فرهیخته‌ای که بر ادبیات کلاسیک چین تسلط دارد، همه‌ی آثار گذشته و نو را مطالعه می‌کند و از تاریخ و فلسفه آگاه و سخنوری خوب است؛ حافظه و توانایی تمرکز او شگفت‌آور است، نویسنده‌ای توانا است، نسبت به‌ظاهر و عادات شخصی خود بی‌دقت اما در مورد انجام وظیفه و جزئیات آن دقیق و مردی خستگی‌ناپذیر و نابغه‌ای سیاسی و نظامی است.

سند ۱۰

مائو تسه‌تونگ يك نویسنده آمریکائی از محدودیت‌های مائو انتقاد می‌کند (۱۹۶۶).

ارزیابی مائو در برابر رهبران دیگر و مقایسه او با آنان کاری مشکل است. او سرزمین خود را به‌خوبی می‌شناسد اما نه تجارب او و نه اندیشه‌های سیاسی و فلسفی او موجب آن نیست که از شرایط کشورهای صنعتی آگاه باشد. او در مرکز نیروهای فعالی قرار دارد که جامعه چینی را دیگرگون می‌کند اما با این همه شهروندان تو را نمی‌شناسد و بدانان بی‌اعتماد است. اگر چه خود پایه‌گذار «رنسانس» یا تجدید زندگی چین است اما همچنان مخالف روشنفکران باقی مانده است (چرا که برای روشنفکران سیستم مطلوب وجود اندیشه‌های متقابل است). در این مود تجربه‌ی محدود ۱۹۵۷ در مورد این اجازه‌ی مائو که: «بگذار یک‌صد گل شکوفا و یک صدمکتب فکری به‌گفتگو بنشینند» مستثنی است و او همیشه با اندیشه‌هایی که در خدمت انقلاب نباشد مخالف بوده است.

سند ۱۱

مجازات: مائو - در بیان زشتی انتقام‌جویی.

خط‌مشی اتخاذ شده در ینان را باید دنبال کرد: «بدون اعدام و با دستگیری اندك». افرادی هستند که ما از اعدام آنان چشم‌پوشی می‌کنیم نه بدین دلیل که خطای آنان در حد کیفر مرگ برای آنان نیست بلکه بدین دلیل که مرگ آنان را فایده‌ای نیست و ماندن آن مفیدتر است. اعدام را فایده چیست؟ از افرادی که میتوان از نیروی کار آنان بهره‌جست باید استفاده کرد و آنان را به‌کارهایی مفید واداشت مگر نه اینست که حتی از زباله و اشغال هم میتوان چیزهای مفید تهیه کرد. به‌علاوه سرانسان گیاه نیست که با بریدن آن دوباره بروید. اگر سر انسانی را به‌خطا برباد دهید راهی برای جبران خطا نیست و این خطایی دهشتناک است.

خلق چین: مائو - نوشته شده در ۱۹۵۸، به نیروی نهادهای مردم توجه می‌کند.

ششصد میلیون نفر مردم چین را دو ویژگی است: نخست فقر و دوم تهی بودن. در آغاز چنین ویژگی شاید بدناما باشد اما این ویژگی را خوبی‌هایی است. مردم فقیر جویای تغییر و انقلاب‌اند کاغذی سپید را مزیت سپیدی آن است چرا که در چنین کاغذی است که می‌توان زیباترین تصاویر و بهترین نوشته‌ها را پدید آورد. آیا کارگران چینی چون گذشته و مانند بردگانند؟ بی شک چنین نیست که آنان سرنوشت خود را می‌سازند و آزادند. مردمی که درنه میلیون کیلومترمربع قلمرو جمهوری خلق چین زندگی می‌کنند اکنون فرمانروای سرزمین خویشند.

۱۳- میتینگ گروهی يك معلم انگلیسی که در زمان انقلاب در چین اقامت داشت میتینگ‌های مکرر را وصف می‌کند.

میتینگ گروه‌های کوچک را زمان معینی نبود و اگرچه این دیدارها گاه موجب توقف کارها می‌شد اما پر ارزش بود. این دیدارها برای ما کار روزنامه، رادیو و تلویزیون را انجام می‌داد و سبب می‌شد به‌جای اطاعت نادرست در جریان واقعی رویدادها قرار بگیریم. این اجتماعات کوچک چون قلب جنبش انقلابی چین و در تربیت هر يك از ما موثر بود. در آغاز دیدار این گروه‌ها معمولاً هر شامگاه تکرار می‌شد و گاه به‌هنگام کار و در روز نیز انجام می‌شد. افراد هر گروه نزدیکترین دوستان همدیگر بودند و زندگی آنها عمیقاً بهم پیوند یافته بود. تشکل این گروه‌ها ماهرانه‌ترین شکل سیاسی ارتباط و وحدت مردم با یکدیگر و هر گروه با کارگران کارگزار حزب کمونیست و کادر رهبری رابطه داشت. کارگزاران و مسئولان حزبی هر هفته با مسئولان گروه‌های مختلف جلسه داشتند و در این جلسات مشکلات و مسائل گروه‌ها و پیشرفت در جهت هدف‌های حزب مورد بررسی قرار می‌گرفت و مسئولان گروه‌ها ایده‌های تازه و نتایج بحث‌ها را با گروه خود در میان می‌نهادند. گاه گروه یا گروه‌هایی وجود داشت که به‌سبب ناتوانی مسئول گروه به‌افراد دیگری نیاز داشتند تا در بحث‌های آنان شرکت کند و حرکت تازه‌ای در گروه به‌وجود آورد و در چنین مواردی فرد یا افرادی از گروه‌های دیگر آن گروه را یاری می‌کردند تا در مسائل خود دقیق‌تر و عمیق‌تر شوند و به‌خودکفایی دست یابند.

کار ارتش مائو - به‌ارتش تعلیم می‌دهد که در تولید و سیاست شرکت کنند (۱۹۶۶).

تا زمانی که از جنگ جهانی خبری نیست ارتش برای سپاهیان باید چون مدرسه‌ئی بزرگ باشد. حتی به‌هنگامی که جنگ سوم جهانی هم درگرفته باشد ایجاد چنین مدرسه‌ئی امکان دارد و

نیروهای ارتشی همراه با نبرد کردن می‌توانند کارهای مختلفی را انجام دهند. در مدت هشت سال فعالیت‌های ضدژاپنی در جنگ جهانی دوم آیا کار ما چنین نبود؟ در این مدرسه بزرگ سپاهیان ما باید سیاست، خدمات نظامی و کشاورزی را فرا گیرند. سپاهیان در تولیدات کشاورزی نیز می‌توانند شرکت جویند و آن را به صورت کاری جنبی انجام دهند، آنان می‌توانند در اداره کارخانه‌های کوچک شرکت جویند بخشی از تولیداتی را که مورد نیاز آنهاست به عهده بگیرند یا به کارهایی که ارزش‌هایی از این گونه دارد بپردازند. سپاهیان می‌توانند و باید به کارهای توده‌ای بپردازند و در جنبش آموزش سوسیالیستی کارخانه و روستاها شرکت نمایند. با جنبش آموزش سوسیالیست است که سپاهیان می‌توانند به کارهای توده‌ای بپردازند و اطمینان یابند که سپاهی از توده‌ها دور نیست و با آنان یکی است.

سند ۱۵

بهداشت يك انگلیسی مقیم چین که در سال‌های بعد از انقلاب کوشش به بهبود بهداشت را در آن کشور وصف می‌کند.

روش کار پیشرفت قدم به قدم، شتاب نکردن و توقف نکردن بود. خیابان‌های تازه را باید لوله‌کشی و تمیز کرد. اشغال را نباید در جاده‌ها ریخت. برای رفقای کارگر بسیار مشکل است که وقتی در اغذیه فروشی‌های کنار جاده غذا می‌خورند و استخوان‌ها و اشغال را در جاییکه قبلاً سگ‌ها آن را تمیز می‌کردند نریزند و مشکل‌تر از این بازداشتن افراد از انداختن تکه‌های نیشکر جویده شده در خیابان و جاده‌ها و واداشتن آنها به انداختن آن در سطل اشغال است. مشکل‌تر از دفع سگ‌های مزاحم نابودی آفت‌های بومی است. گروه ما در دانشگاه (یعنی جایی که من در آن جا کار می‌کنم) طرح تازه‌ای را برای نابودی این آفات مورد بررسی قرار داده است و معه‌ذا به هر يك از ما وظایفی محول شده است که طی آن کار هر فرد عبارتست از: «هر روز نابودی دو كيك، هر هفته نابودی بیست پشه و در فصل مناسب نابودی موش و موش صحرانی...»

سند ۱۶

آموزش و پرورش اغلب مدارس چین روزانه است. اما در آغاز دهه ۶۰ يك ناظر خارجی در چین از يك مدرسه شبانه‌روزی دیدن کرد.

دیدار بعدی من از يك دبستان ابتدایی شش کلاسه‌ی مختلط (پسرانه و دخترانه) بود. از ۹۰۰ دانش‌آموز این دبستان ۱۱۰ نفر دانش‌آموزان شبانه‌روزی تنها روزهای یکشنبه به خانه می‌رفتند. دانش‌آموزان در زمین بازی مدرسه مشغول ورزش صبحگاهی بودند «با ورزش تن خود را سالم نگه دارید و با سلامت خویش از سرزمین مادری و صلح جهان پاسداری کنید». بعد به خوابگاه دانش‌آموزان رفتیم. در هر اتاق چهارده تخت قرار داشت و در کف اتاق و زیر هر تخت دو لگن شستشو نهاده بودند که یکی از آنها برای شستشوی دست و صورت و دیگری برای شستشوی پا بود.

مدیر مدرسه آقای تانگ به ما گفت: «در چین مدارس شبانه روزی بیشتر مورد توجه است و تجربه ثابت کرده است که دانش آموزان شبانه روزی کارشان از دیگر دانش آموزان بهتر است؛ و در مدرسه‌ی ما نیز چنین است. هدف اصلی آموزش این است که علاوه بر آموختن نظم و تربیت از دانش آموز فردی متکی به خود ساخته شود...»

سند ۱۷

رفتن به روستا سردبیر روزنامه پکنی مردم جوانان را به رفتن به روستاها تشویق می‌کند. گروهی از مردم شهرهای ایالت گانسو Kansu که مدتی از کارهای سنگین دوری جسته بودند و از جمله گروهی از جوانان تحصیل کرده به گروه‌های سوسیالیست روستایی می‌پیوندند و گروه برای اقامت به مناطق اطراف شهرها و مناطق روستایی می‌روند. این کار بزرگ و با ارزش باید مورد تأیید قرار گیرد. کسانی که به مناطق روستایی می‌روند حرفشان این است که: «ما نیز چون دهقانان دودست داریم و نمی‌خواهیم زندگی را به بطلالت در شهرها سپری کنیم!» و این حقیقتی است!

صدر مائو به ما می‌گوید: «رفتن جوانان تحصیل کرده به مناطق روستایی برای تربیت دیگر باره ضروری است و در چنین شرایطی است که این جوانان از دهقانان آموزش می‌گیرند. رؤسا و مدیران و مردم دیگر باید تشویق شوند تا پسران و دختران خود را پس از پایان تحصیلات به مناطق روستایی بفرستند. بگذارید به حرکت خود ادامه دهیم. رفقای روستایی مقدم جوانان تحصیل کرده را گرامی می‌دارند.» و امید ما این است که جوانان تحصیل کرده و شهرنشین بدین درخواست صدر مائو پاسخ مثبت دهند و در جهت افزایش تولید کشاورزی به پا خیزند!

سند ۱۸

صدر مائو يك سرود مردمی که در طی انقلاب فرهنگی نوشته شد.

به هنگام رفتن به دریا به زورقبان اعتماد کن؛
زندگان برای رشد به خورشید روی می‌آورند،
و باران و شبنم نباتات نوپا را قویتر می‌دارد.
در انقلاب نیز به اندیشه‌های مائوتسه - تونگ اعتماد کن.
ماهی را بدون آب یارای زیستن نیست
خریژه بدون جالیز رسیده نخواهد شد
توده‌های انقلابی را بدون حزب کمونیست یارای ماندن نیست
اندیشه‌های مائوتسه - تونگ خورشید همیشه رخشان است.

سند ۱۹

درباره‌ی بورکرات‌ها مائو - در نطقی که در ۱۹۶۷ ایراد کرده است، بوروکراسی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و قتی بوروکراسی یا دیوان سالاری به اوج پیشرفت خود می‌رسد بورکرات‌ها به سبب دانش محدود خود اندیشه‌های مردم و اعتقادات آنان را نمی‌فهمند، بورکرات‌ها در چنین مرحله‌ای نه

به پژوهش علاقه‌ای دارند و نه به مطالعه؛ آنها را در چنین شرایطی خط‌مشی سیاسی ویژه‌ای نیست؛ آنان را با کارهای سیاسی و ایدئولوژیکی کاری نیست؛ آنان از واقعیت، از مردم و رهبری حزب بریده‌اند، آنان تنها فرمان می‌دهند و فرمان آنها معمولاً خطا است؛ بی‌شک رهبری آنان کشور و مردم را به‌خطا وامیدارد؛ کار اینان حداقل کارشکنی و ناسازگاری به‌حزب و خط‌مشی حزب است و آنان را یارای روبه‌رو شدن با مردم نیست.

خواست‌های انقلابی آنان ناچیز، خط‌مشی سیاسی آنان نادرست و دیگرگون شده است؛ رفتار آنان چنان است که گویی برترین افرادند، آنان تنها در فضای اداری زندگی می‌کنند و دست و مغز خود را به‌کار نمی‌گیرند؛ وقتی که بیمار نیستند به‌خیال بیماری پزشک را به‌بالین خود می‌خوانند و بعد برای استراحت و تفرج به‌مناطق کوهستانی و ساحلی می‌روند؛ رفتارشان چون اندیشه‌های آنان نامعقول است؛ نسبت به‌علاق فردی خود نگران و نسبت به‌خواست‌های اجتماعی بی‌تفاوتند. بورکراسی منحن چینی است.

سند ۲۰

انقلاب فرهنگی گروهی از جوانان اشتیاق زیادی به‌بریدن از نفوذ غربی از خود نشان می‌دادند. دو ناظر غربی مشاهدات خود را شرح می‌دهند (۱۹۶۶).

صدر مائوتسه - تونگ در هیجدهم اگوست رژه‌ی يك میلیون دانش‌آموز را در میدان داتین Tien an men سان دید و گارد سرخ در پایان همین ماه شکل گرفت. شهر حالت عادی خود را نداشت. در هر کجا دانش‌آموزان را می‌دیدم که گروه گروه باطل و زنگ و پرچم و تصاویر بزرگ مائورژه می‌رفتند. دیوارها از آگهی‌های دیوار بزرگ چاپی و دستی پوشیده شده بود. درخواست تظاهر کنندگان بیشتر تغییر نظر مردم نسبت به‌مسائل مختلف بود. مثلاً از پزشکان خواسته بودند کارگران را بیش از بیماران دیگر مورد توجه قرار دهند و از پدران و مادران خواسته بودند در خانواده دموکراسی را رعایت کنند و فرزندان خود را کمتر مورد تحمیل نظرات خود قرار دهند. هر آگهی معمولاً با يك اخطار پایان می‌یافت که غالباً چنین بود: «مهلت برآوردن این خواست‌ها هفتاد و دو ساعت است. در صورت بی‌توجهی مسئولیت عواقب آن با شماست. گاردهای سرخ.

به‌مردم فرمان داده شده بود صفحات گرامافون بورژوازی و فئودالی خود را به‌پلیس تحویل دهند. موی بلند، شلوارهای تنگ و چسبان و کفش‌های نوک تیز ممنوع بود. دخترانی را دیدم که موی بلند بافته شده داشتند که این موهای بافته شده نشان باکره بودن آنان بود اما موی آنان را نیز دوستانشان می‌بریدند تا با گارد سرخ همکاری کنند (این گفته نادرست و اغراق‌آمیز می‌نماید چرا که همه‌ی مردم و از جمله کودکان معنی موی بلند دختران را می‌فهمند و این خبر نادرست است).

آگهی‌های دیواری دیگری را دیدم که در آن از پیروان آیین‌های کاتولیک پروتستان، و بودایی به‌عنوان تخم مرغ‌های لغزان، فریب دهندگان مردم، پناه دهندی جاسوسان و مخالفان صدرمائو یاد شده بود. در بیرون يك کلیسای کاتولیک نیز تظاهراتی را دیدم که در آن از مسیون‌های مذهبی به‌عنوان «ریاکاران پی‌شرم» یاد می‌شده (که تجربه چنین برداشتی را برای مردم آسیا و آفریقا به‌وجود آورده و از حقیقت چندان به‌دور نیست).

خدمت به خلق گزارش مشاهدات يك ناظر انگلیسی از يك میتینگ خلق (۱۹۷۱).

مسافرت با هواپیما برای چینیان يك کار تفننی و مانند خوردن چای و سیب بعد از غذا کاری عادی نیست. به هنگام سفر هوایی کانتون به هانگ جو Hang Chow در فرودگاه نن جانگ Nanchang مشغول خوردن شام بودیم که خبر رسید به علت وجود توفان در هانگ جو ادامه‌ی پرواز ممکن نیست؛ شب را باید در نن جانگ توقف می‌کردیم تا صبح فردا به هانگ جو پرواز کنیم. در هواپیما علاوه بر مسافران بیگانه کارگری بود که همراه با دوستش سوار هواپیما شد؛ این کارگر که سه بند از انگشت‌های دست راستش در حادثه‌ای در کارخانه قطع شده بود در شرایط بدی به سر می‌برد و باید هرچه زودتر او را به بیمارستان ویژه‌ی پیوند عضوهای قطع شده در شانگهای می‌رسانیدند. دستش را باندپیچی کرده بود و آشکارا درد می‌کشید. دوست همراه این کارگر به مقامات فرودگاه مراجعه کرد و بدانان گفت که تأخیر در پرواز امکان معاجله‌ی دوستش را از میان می‌برد و وقتی خواست او مورد بررسی قرار گرفت در بیرون ساختمان فرودگاه نیز میتینگ بزرگی از کارگران هواپیما و فرودگاه، میهمانداران و کارگران فرودگاه و رستوران و دیگران تشکیل شد که مدت بیست دقیقه ادامه یافت و در پی آن پس از تماس با فرودگاه شانگهای اعلام شد که هواپیما بدون آنکه در هانگ جو فرود آید مستقیماً به شانگهای پرواز می‌کند و روز بعد از شانگهای به هانگ جو خواهد رفت و مسافران خارجی نیز پذیرفتند که شب را در شانگهای بمانند. پانزده دقیقه بعد هواپیما در مسیر شانگهای در پرواز بود. در فرودگاه شانگهای آمبولانس منتظر بود و کارگر مجروح بیدارنگ به بیمارستان انتقال یافت. شعار مشهور خدمت به خلق برای همه‌ی مسافران هواپیما عملاً به اثبات رسیده بود.

بیانیه دوستی چین و اتحاد شوروی اعلامیه اتحاد میان اتحاد جماهیر شوروی و CPR (= جمهوری خلق چین)، دوازدهم اکتبر ۱۹۵۴.

بر اساس پیمان نامه‌ی رسمی دوستی و همکاری دوجانبه‌ی مردم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری خلق چین، مصوب چهاردهم فوریه ۱۹۵۰، طی پنجاه سال گذشته و از زمان پیروزی تاریخی مردم چین در ایجاد جمهوری خلق چین همکاری و دوستی دو کشور گسترش یافته است. معاهده‌ی مذکور بر اساس آرزوی صمیمانه‌ی دو ملت در جهت همکاری و کمک متقابل برای پیشرفت‌های اقتصادی و فرهنگی دو کشور و ادامه‌ی دوستی برادرانه‌ی آنان در راه ایجاد صلح و امنیت در خاور دور و جهان و همگامی با هدف‌های سازمان ملل متحد تنظیم گردیده است.

دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری خلق چین رعایت مواد پیمان نامه‌ی پیشین را که موجب تداوم همکاری دوجانبه هر دو کشور بر اساس رعایت حقوق طرفین و منافع مشترك و احترام نهادن به تمامیت ارضی دو کشور است بار دیگر مورد تأیید قرار می‌دهند.

مجموعه تاریخ برای نوجوانان

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------|
| (۳۱) انسان و غذا | (۱) داروین |
| (۳۲) اقتصاد جهانی | (۲) مائوتسه - تونگ |
| (۳۳) آفریقای سنتی | (۳) انقلاب چین |
| (۳۴) شهرها | (۴) لئوناردو داوینچی |
| (۳۵) انقلاب روسیه | (۵) انقلاب فرانسه |
| (۳۶) آشوکا و تمدن هند | (۶) بولیوار |
| (۳۷) انسان و قانون | (۷) گاندی |
| (۳۸) ادویه و تمدن‌ها | (۸) تجارت برده |
| (۳۹) چین سنتی | (۹) ابن سینا |
| (۴۰) انقلاب مکزیک | (۱۰) انقلاب علمی |
| (۴۱) لوتر، اراسم و لویولا | (۱۱) نیه‌ره و نکرومه |
| (۴۲) آموزش و پرورش | (۱۲) انقلاب در ارتباطات |
| (۴۳) نوسازی ژاپن | (۱۳) آدام اسمیت، مالتوس و مارکس |
| (۴۴) کانال سوئز | (۱۴) انسان و دین |
| (۴۵) استالین | (۱۵) ناسیونالیسم |
| (۴۶) سلیمان و امپراتوری عثمانی | (۱۶) انقلاب آمریکا |
| (۴۷) انسان و زبان | (۱۷) روشنگری |
| (۴۸) کانوسا: حاکمیت کلیسا | (۱۸) انقلاب کشاورزی |
| (۴۹) خاور نزدیک باستانی | (۱۹) انقلاب صنعتی |
| (۵۰) راجه بریتانیا و ناسیونالیسم هند | (۲۰) بمب اتم |
| (۵۱) مدیترانه | (۲۱) محمد (ص) و امپراتوری عرب |
| (۵۲) کنستانتین | (۲۲) چنگیزخان و امپراتوری مغول |
| (۵۳) جمعیت | (۲۳) رایش هیتلر |
| (۵۴) آمریکای باستان | (۲۴) رشد دولت |
| (۵۵) ثروت ژاپن | (۲۵) کریستف کلمب |
| (۵۶) اسکندر | (۲۶) دو جنگ جهانی |
| (۵۷) خانواده | (۲۷) اکبر شاه و امپراتوری مغول |
| (۵۸) صلح رمی | (۲۸) جنگ سرد |
| (۵۹) سلامت و ثروت | (۲۹) بیسمارک |
| (۶۰) امپریالیسم | (۳۰) ناپلئون |

زمنیات ماریار

بها ۳۰ ریال



تدوین و
نگارش
ماریار
بها